

کاغذ بی خط

### گیشه‌های هدایت شده

### بلای جان سینمای ایران



علیرضا بهنام

■ با فاصله گرفتن ازاکران پر سر و صدای نوروزی به نظر می‌رسد، ضرورت دارد یک بار از نگاهی بی‌طرفانه به ماجرای فروش‌های میلیاردی در اکران نوروزی که با عدم موفقیت اکران بعدی فصل بهار دنبال شد، بپردازیم تا ببینیم آیا آن فروش‌های میلیاردی واقعیت سینمای ماست یا این بی‌روفتی گیشه‌ها در دومین پیا سال. در واقع با تحلیل اخباری که در دو ماه اخیر می‌آید مسایل اقتصادی سینما منتشر شده است، می‌توان به نکات جالبی دست یافت. اولین نکته که در این زمینه اهمیت بسیاری دارد هم‌زمانی اکران دو فیلم جنجالی اکران نوروزی توسط یک پخش‌کننده است که می‌تواند توهم یکسان بودن شرایط برای این دو فیلم را به ذهن متبادر کند. اما نکته اینجااست که این هم‌زمانی به دلیل تفاوت فاحش آنچه در واقعیت اتفاق افتاده است بیشتر ایجاد محدودیت برای فروش یک فیلم و ایجاد بستر مناسب برای فیلم دیگر در حد بضاعت سینمای ایران را نشان می‌دهد. در شرایطی که فیلم تحسین شده جدایی نادر از سیمین با ۲۹ سینما در تهران، فروشی میلیاردی را تجربه می‌کند، رقیب آن یعنی اخراجی‌ها ۲ به باور بسیاری از منتقدان همسو با معاونت سینمایی نیز کیفیت درخ‌خور توجهی نداشت با یک سینمای بیشتر در شهر تهران به رقابت با آن فیلم می‌پردازد. شنیدن این آمار ممکن است باز این توهم را ایجاد کند که فروش دو فیلم در شرایط برابر اتفاق افتاده و نشان‌دهنده میزان اقبال مردمی به هر یک از این فیلم‌هاست. حال آنکه با توجه به تفاوت سال‌های سینمایی در زمینه‌های گنجایش، کیفیت، این آمار زمانی معنی‌دار می‌شود که به جای تعداد سالن تعداد صندلی اختصاص یافته به هر فیلم محاسبه و اعلام شود. بر مبنای تخمینی که نگارنده می‌زند با توجه به موارد بالا لاقال در شهر تهران ۱۵۰۰ صندلی بیشتر در اختیار فیلم اخراجی‌ها ۲ بوده است. در مورد فروش کل کشور که وضع به واقع بسیار بدتر از این است چون در برابر ۲۹ سینمایی که در شهرستان‌های مختلف جدایی نادر از سیمین را اکران کرده‌اند اخراجی‌ها ۳ هم‌زمان با ۷۰ سینمای شهرستانی روی پرده رفته است. به این ترتیب با توجه به پخش‌کننده مشترک این دو فیلم، این پرسش به وجود می‌آید که چرا این پخش‌کننده میدان دو فیلمی که هر دو امکان فروش میلیاردی داشته‌اند چنین تفاوت فاحشی گذاشته است؟ آیا این را باید به حساب دخالت‌هایی گذاشت که از بیرون سینما وقایع اقتصادی این هنر را کنترل می‌کنند؟

متأسفانه ردپای این دخالت بیرونی در سمت و سو دادن به وجهه اقتصادی سینما را در موارد دیگری نیز می‌توان یافت. اولین نشان این دخالت را می‌توان در اکران بی سر و صدای فیلم ته‌مینِه میلانی هم‌زمان با دو فیلم پر فروش نوروزی جست و جو کرد. میلانی فیلمسازِی است که عموماًبه دلیل دست‌گذاشتن روی سوز‌های داغ اجتماعی تعدادی تماشاجی ثابت برای فیلم‌هایش دارد. چه این آثار را دوست‌داشته باشیم یا نه چه دوستشان نداشته باشیم این نکته را نمی‌توان کتمان کرد که او به عنوان کارگردان مخاطبان خاص خودش را دارد، بنابراین وقتی فیلمی از این کارگردان در چند سینمای به لحاظ مکانی کم رفت و آمد یا در سالن‌های کوچک و کم گنجایش پردیس‌های



سینمایی اکران می‌شود باید دلایل دیگری برای آن به غیر از اشکال فیلم یا فیلمساز جست‌وجو کرد. دلگسستن این نکات و ویژه از آن رو اهمیت دارد که برای تحلیل دلایل عدم موفقیت اکران دوم بهار دوباره باید به همان دلالی که موجب کم فروش شدن فیلم میلانی شد، استناد کرد.اگر اختصاص سالن‌های کم‌مشتتری و کم‌گنجایش به فیلمی مانند هرسم که با توجه به موضوع جوان پسند و رویکرد حرفه‌ای سازنده‌اش اصولاً یکی از امیدهای فروش اسمال به نظر می‌رسید و نشان می‌دهد اراده‌ای مافوق مناسبات عادی سینما در کار است مشخص می‌کند به هر فیلم چقدر امکان مانور در گیشه سینما باید داده شود. این نکته را بگذارید کنار این حقیقت که تصمیم‌گیرندگان دولتی سینما از سال پیش با اصرار ترکیب انتخابی شورای صنفی نمایش را بر هم زده و شورای انتصابی را جایگزین آن کرده‌اند. به راستی به این پرسید، از دخالت در فروش سینماها و جهت دادن به آن به شکلی که گفته شد چه کسی منتفع می‌شود؟ آیا برخورد آماری با سینما و آرایه بیان‌های کاری از سوی مسوولان که فلان مقدار فروش سالانه و فلان مقدار تولید فیلم در هر سال داریم به معنای رونق سینما در دوره موردنظر است؟

به باورنگارنده هنوز هم برای بازگشت از مسیر اشتباه و پرهیز از دستکاری‌های بی‌مورد در اقتصاد شکننده سینمای ایران در نشد است. کافی است اراده بعضی از مسوولان بر این قرار بگیرد که مصالح سینما را بر سلیقه شخصی و جناحی خود ارجح بدانند و اجازه دهند سینما در جاده‌ای خارج از مناسبات سیاسی روز گم برآورد.



در زمانه‌ای بی سر می‌پریم که دیگر اعداد نقش گذشته‌شان را بازی نمی‌کنند. شمارش‌ها دست‌آویزی شده‌اند برای اثبات وجود داشتن‌ها و نداشتن‌ها. در این میان، سینمای ایران نیز دست به گریبان آمارهای گوناگون و مهم‌تر از آن، تحلیل‌های نادرست است؛ تحلیل‌های بی پایه و اساسی که تنها بر اساس فروش گیشه سینماها بنا گذاشته می‌شوند و پس.

در بررسی روندهای اقتصادی و برای مقایسه فروش سینماها در تهران و در شش سالی که گذشت، از متغیرهای تعداد بلیت نسبی (تقسیم مجموع فروش سینماها بر قیمت بلیت) و نسبت بلیت به جمعیت استفاده شده است. چنانچه افزایش قیمت بلیت سینماها را در نظر نگیریم، فروش کل فیلم‌ها از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ افزایش داشته و در سال ۱۳۸۹ روندی کاهش را پیموده است. اما با در نظر گرفتن قیمت بلیت‌ها روند کلی تغییرچندانی نمی‌کند و تنها در سال ۱۳۸۹ کاهش می‌یابد. این روند با درنظرگرفتن جمعیت و افزایش آن، به واقعیت نزدیک‌تر می‌شود. با درنظرگرفتن جمعیت، تغییری در پنج سال ابتدای دیده نمی‌شود و باز هم در سال ۱۳۸۹ روندکاهشی مشاهده می‌شود.

در آمارهای گفته شده باید توجه داشت تنها هفته‌ها و روزهای اکران، بازگوی میزان فروش فیلم‌ها نیستند. تعداد سینماهایی که فیلم‌ها را اکران کرده‌اند و گروه‌های سینمایی اکران‌کننده فیلم‌ها نیز دارای اهمیت هستند. برای نمونه فیلم های «مکس» و «بک بوس کوچولو» در سال ۱۳۸۴، دارای تعداد روزهای اکران برابر اما تعداد سینمای اکران نابرابر بوده‌اند. فیلم مکس فروش بالایی داشته اما در میانه راه توقیف می‌شود. بنابراین می‌توان گفت متغیرهای گوناگونی بر فروش فیلم‌ها در ایران اثر گذارند که گاه آنچنان پرکننده و بی‌قاعده‌اند که هیچ بررسی درستی نمی‌توان بر آنها داشت.

گلد فیلمی که در برخی جشنواره‌های ارزشمند خارجی چندین و چند جایزه برده است و ساختار، درونمایه و تکنیک‌های به کار برده شده در آن، همه جا تحسین شده است، در اکران نابود می‌شود. در چنین شرایطی است که نه تنها فیلم بلکه کارگردانش نیز در میان کوربینی‌ها اگر-پشتوانه‌ای نداشته باشد- محکوم به نابودی است. این بلایی

| ردیف | سال  | میانگین بهای بلیت سینما (تومان) | مجموع فروش سینماها (تومان) | تعداد بلیت نسبی | جمعیت       | نسبت بلیت به جمعیت |
|------|------|---------------------------------|----------------------------|-----------------|-------------|--------------------|
| ۱    | ۱۳۸۴ | ۹۰۰                             | ۶,۳۹۹,۷۰۰,۰۰۰              | ۷,۱۱۰,۷۷۸       | ۶,۸۴۶۷,۰۰۰  | ۰/۱۰۳۸۵۷۰۰۸        |
| ۲    | ۱۳۸۵ | ۱۰۰۰                            | ۷,۸۰۹,۹۰۰,۰۰۰              | ۷,۸۰۹,۹۰۰       | ۷,۰۴۷۲,۰۰۰  | ۰/۱۱۰۸۰۹۹۶۷        |
| ۳    | ۱۳۸۶ | ۱۱۰۰                            | ۸,۳۲۲,۵۰۰,۰۰۰              | ۷,۵۶۵,۰۹۹       | ۷,۱۸,۳۹,۰۰۰ | ۰/۱۰۵۳۱۱۷۵۷۳       |
| ۴    | ۱۳۸۷ | ۱۵۰۰                            | ۱۱,۰۳۶,۳۰۰,۰۰۰             | ۷,۳۵۷,۵۳۳       | ۷۲,۷۰۰,۰۰۰  | ۰/۱۰۱۰۱۲۰۴۰۳۵      |
| ۵    | ۱۳۸۸ | ۲۲۰۰                            | ۱۸,۲۵۰,۱۰۰,۰۰۰             | ۸,۲۹۵۵۰۰        | ۷۳,۸۷۴,۰۰۰  | ۰/۱۱۲۲۹۲۵۵۲        |
| ۶    | ۱۳۸۹ | ۳۰۰۰                            | ۱۴,۸۱۶,۳۰۰,۰۰۰             | ۴,۹۳۸,۷۶۷       | ۷۵,۱۰۰,۰۰۰  | ۰/۰۶۵۷۶۲۵۳۹        |

در روزهای اخیر که فهرست نامزدهای داوران انجمن منتقدان در سیست و نهمین جشنواره فیلم فجر اعلام شد، برخی از همکاران علم مخالفت برافراشتند و ایرادهایی بر این فهرست وارد کردند و در نهایت، به کلی آرای داوران را مبتنی بر لجبازی با جشنواره فجر، مخدوش، سفارشی و سیاسی دانستند. جدا از اینکه این ادعاها با کمترین اطلاعات ابراز می‌شود و نشانه عصبانیت عجیب برخی دوستان و کاملاًطی‌شان از روند دآوری در انجمن است، بیشتر به تهمت‌هایی ناروا می‌ماند که در مقابل آنها معمولاً در دو، سه دوره اخیر انجمن، بنای‌مان را بر سکوت گذاشته‌ایم.

اما بد نیست بیکار هم پاسخ‌ی کوتاه داده شود نه از باب دفاع از آرای داوران که برای روشن شدن اذهان عموم همکاران و منتقدان اثرانقر.

■ **داوران چگونه انتخاب می‌شوند؟**
در برخی اوقات ما درباره چگونگی انتخاب داوران مورد سوال قرار می‌گیریم و برخی هم ما را به عملکرد پندی و قس علی هنا منتهم می‌کنند. از این رو ملاک‌های انتخاب داور در انجمن را در ۱۰ بند اعلام کردیم که در وبلاگ انجمن و ایمت‌های خبری و خبرگزاری‌ها در دسترس است.
(→ anjmanpersian.blog.mannoman.ir)

اسامی داوران چهار سال اخیر- که بالغ بر ۷۵ نفر می‌شوند- را هم همانجا اعلام کردیم. در تاریخ ۱۵ ساله انجمن، تعداد کسانی که در چهار سال اخیر در دآوری مشارکت کرده‌اند چندین برابر ۱۱ سال قبل از آن است. این جای تامل ندارد؟ تازه مروری بر این اسامی موید آن است که بسیاری از چهره‌هایی که صلاحیت دآوری داشته‌اند در جشنواره‌های گوناگون به کار گمارده شدند. در میان آنان از منتهی‌الیه این طیف تا منتهی‌الیه آن یکی طیف دیده می‌شوند. نام نمی‌برم که خودتان در وبلاگ انجمن بخوانید. پس انتخاب‌های ما سیاسی نیست و فقط صنفی است. تا حد ممکن تلاش کرده‌ایم از تکرار اسامی پرهیز کنیم که البته ایسن محدودیتی در درباره جشنواره‌های بسیار مهم یا منتقدان رده اول رعایت نماند و گاه طبعاً به علت محدودیت جشنواره، تعدادی از دوستان صالح برای دآوری هنوز باقی مانده‌اند که به تدریج از وجود آنان نیز استفاده خواهد شد. البته ما از قوانین اصلی و اساسنامه انجمن نمی‌گذریم. دوستانی که سال تا سال سراغی از انجمن نمی‌گیرند نه حق عضویت سالانه‌شان را پرداخت می‌کنند، نه در مجامع عمومی حضور می‌یابند و نه در فعالیت‌های صنفی کوچک‌ترین مشارکتی می‌کنند و تنها به هنگام کارت جشنواره فجر یادشان می‌آید که انجمنی هم هست، چرا باید توقع داشته باشند در دآوری، مشارکت داده شوند؟ در جایی که منتقدان قدیمی و سرشناس، حق عضویت می‌دهند و کاملاً با انجمن

است که «تنها دو بار زندگی می‌کنیم» در سال ۱۳۸۸ آن را تجربه کرد و شاید همین یک‌بار را تجربه کرده باشیم که در

جشنواره‌های گوناگون خارجی و حتی جشنواره فیلم فجر مورد تحسین قرار گرفت و در اکران ۳۱ روزه و در چهار یا پنج سینما با فروش ۳۰ میلیون تومانی به کار خود پایان داد. کارگردانی که اینچنین در نخستین کارش ارزش‌هایش را نمایان ساخت، به همین آسانی شاید دیگر در پایان راهش باشد. اما آنچه در فروش فیلم‌های سال ۱۳۸۴ جالب توجه است، وجود هشت فیلم با فروش زیر ۱۰ میلیون تومان و ۱۱ فیلم با فروش زیر ۱۰۰ میلیون تومان است؛ یعنی ۲۵درصد فیلم‌ها در سال ۱۳۸۴ فروشی زیر ۱۰۰ میلیون تومان داشته‌اند. این در حالی است که هزینه متوسط ساخت فیلم در شش سال اخیر چیزی نزدیک به ۲۵۰ میلیون تومان بوده است (این تخمین هزینه بنابر اعلام منابع غیررسمی است. در ایران از آنجایی که بازگو کردن سود واقعی در هیچ کجا رسم نیست، در سینما نیز رسم بر این است که تنها میزان فروش فیلم‌ها تعیین می‌شود و هزینه ساخت واقعی، جز در مورد فیلم‌هایی که تهیه‌کننده دولتی دارند یا موارد اندک دیگر، اعلام نمی‌شود). اگر به این عدد اعتماد کنیم، خواهیم دید تنها هشت فیلم یعنی ۱۸/۶درصد فیلم‌ها در سال ۱۳۸۴ فروشی بالای ۲۵۰ میلیون تومان داشته‌اند.

بنابراین فروش بالای ۲۵۰ میلیون تومان را «سوددهی»، فروش زیر ۱۰۰ میلیون را «زبان کامل» و فروش زیر ۱۰ میلیون تومان را «اکران صفر» در نظر می‌گیریم. دیگر فیلم‌ها نیز (فاصله میان ۱۰۰ و ۲۵۰ میلیون تومان) با توجه به هزینه واقعی فیلم‌ها ممکن است ضرر کمتری از دیگر فیلم‌ها با فروش زیر ۱۰۰ میلیون تومان داشته باشند. در سال ۱۳۸۵ و در مجموع ۲۹ فیلم اکران شده است که ۱۳ فیلم یعنی ۳۳درصد آنها دارای فروش بالای ۲۵۰ میلیون تومان هستند. همچنین هفت درصد فیلم‌ها فروش زیر ۱۰ میلیون تومان و ۴۶ درصد نیز فروش زیر ۱۰۰ میلیون تومان داشته‌اند. فروش این سال در مقایسه با سال پیشین، با میانگین قیمت هر بلیت ۱۰۰۰ تومان، رشد ۹ درصدی داشته (با فرض ثابت بودن قیمت بلیت، افزایشی ۲۲ درصدی داشته) و پر فروش‌ترین فیلم سال یعنی «آتش‌بس» نسبت به پر فروش‌ترین فیلم سال پیش با نام «مکس» ۸۷ درصد افزایش (با فرض ثابت بودن

## سینمای ایران

### مروری بر فروش فیلم های سینما در دولت نهم و دهم

# بحران مخاطب

محمدحسین هوشمندنی

قیمت بلیت، ۱۰۸درصد افزایش) فروش داشته است. در سال ۱۳۸۶ در مجموع ۴۷ فیلم اکران شده است که ۱۱ فیلم یعنی ۲۳درصد آنها دارای فروش بالای ۲۵۰ میلیون تومان هستند. همچنین ۱۲ درصد فیلم‌ها فروش زیر ۱۰ میلیون تومان و ۴۸ درصد نیز فروش زیر ۱۰۰ میلیون تومان داشته‌اند. فروش این سال در مقایسه با سال پیشین، با میانگین قیمت هر بلیست ۱۱۰۰ تومان، کاهش سه درصدی داشته (با فرض ثابت بودن قیمت بلیت، فروش افزایش شش درصدی داشته) و پر فروش‌ترین فیلم سال یعنی «خارجی‌ها» نسبت به پر فروش‌ترین فیلم سال پیش با نام «آتش‌بس» ۱۸ درصد افزایش (با فرض ثابت بودن قیمت بلیت، ۳۰درصد افزایش) فروش داشته است.

در سال ۱۳۸۷ در مجموع ۴۷ فیلم اکران شده است که ۱۴ فیلم یعنی ۲۹درصد آنها دارای فروش بالای ۲۵۰ میلیون تومان هستند. همچنین هشت درصد فیلم‌ها فروش زیر ۱۰ میلیون تومان و ۵۱ درصد نیز فروش زیر ۱۰۰ میلیون تومان داشته‌اند. فروش این سال در مقایسه با سال پیش، با میانگین قیمت هر بلیت ۱۵۰۰ تومان، کاهش دو درصدی داشته (با فرض ثابت بودن قیمت بلیت، ۲۹درصد افزایش ۳۲ درصدی داشته) و پر فروش‌ترین فیلم سال یعنی «دایره رنگی» نسبت به پر فروش‌ترین فیلم سال پیش با نام «خارجی‌ها»، ۳۷ درصد کاهش (با فرض ثابت بودن قیمت بلیت، ۱۴درصد کاهش) فروش داشته است. در سال ۱۳۸۸ در مجموع ۵۶ فیلم اکران شده است که ۲۳ فیلم یعنی ۴۱درصد آنها دارای فروش بالای ۲۵۰ میلیون تومان هستند. همچنین ۱۰ درصد فیلم‌ها فروش زیر ۱۰ میلیون تومان و ۵۰ درصد نیز فروش زیر ۱۰۰ میلیون تومان داشته‌اند. فروش این سال در مقایسه با سال پیش، با میانگین قیمت هر بلیت ۲۲۰۰ تومان، افزایش ۱۲ درصدی داشته (با فرض ثابت بودن قیمت بلیت، فروش افزایش ۶۵ درصدی داشته) و پر فروش‌ترین فیلم سال یعنی «خارجی‌ها ۲» نسبت به پر فروش‌ترین فیلم سال پیش با نام «دایره رنگی»، ۱۲۷ درصد افزایش (با فرض ثابت بودن قیمت بلیت، ۲۳درصد افزایش) فروش داشته است. در سال ۱۳۸۹ در مجموع ۶۲ فیلم اکران شده است که ۱۹ فیلم یعنی ۳۰درصد آنها دارای فروش بالای ۲۵۰ میلیون تومان هستند. همچنین هشت درصد فیلم‌ها فروش زیر ۱۰

| ردیف | سال  | میانگین بهای بلیت سینما (تومان) | مجموع فروش سینماها (تومان) | تعداد بلیت نسبی | جمعیت       | نسبت بلیت به جمعیت |
|------|------|---------------------------------|----------------------------|-----------------|-------------|--------------------|
| ۱    | ۱۳۸۴ | ۹۰۰                             | ۶,۳۹۹,۷۰۰,۰۰۰              | ۷,۱۱۰,۷۷۸       | ۶,۸۴۶۷,۰۰۰  | ۰/۱۰۳۸۵۷۰۰۸        |
| ۲    | ۱۳۸۵ | ۱۰۰۰                            | ۷,۸۰۹,۹۰۰,۰۰۰              | ۷,۸۰۹,۹۰۰       | ۷,۰۴۷۲,۰۰۰  | ۰/۱۱۰۸۰۹۹۶۷        |
| ۳    | ۱۳۸۶ | ۱۱۰۰                            | ۸,۳۲۲,۵۰۰,۰۰۰              | ۷,۵۶۵,۰۹۹       | ۷,۱۸,۳۹,۰۰۰ | ۰/۱۰۵۳۱۱۷۵۷۳       |
| ۴    | ۱۳۸۷ | ۱۵۰۰                            | ۱۱,۰۳۶,۳۰۰,۰۰۰             | ۷,۳۵۷,۵۳۳       | ۷۲,۷۰۰,۰۰۰  | ۰/۱۰۱۰۱۲۰۴۰۳۵      |
| ۵    | ۱۳۸۸ | ۲۲۰۰                            | ۱۸,۲۵۰,۱۰۰,۰۰۰             | ۸,۲۹۵۵۰۰        | ۷۳,۸۷۴,۰۰۰  | ۰/۱۱۲۲۹۲۵۵۲        |
| ۶    | ۱۳۸۹ | ۳۰۰۰                            | ۱۴,۸۱۶,۳۰۰,۰۰۰             | ۴,۹۳۸,۷۶۷       | ۷۵,۱۰۰,۰۰۰  | ۰/۰۶۵۷۶۲۵۳۹        |

«تنها دو بار زندگی می‌کنیم» هم به معنای تمامی کلمه می‌توان گفت: می‌سوزد؛ فیلمی با کیفیت بالای ساخت و بسیار فراتر از سطح سینمای ایران که تنها در تکیس‌اس‌های دور از چشم تماشاگر اکران می‌شود.
بسیارند گفته‌ها و ناگفته‌هایی که حال و هوای این روزها را رقم زده‌اند و سال ۱۳۸۸ را نیز –با اتفاقات بی‌مانندش که در تاریخ، در گوش و چشم آیندگان، دیر یا زود، یاد خواهد شد- یکی از تلخ‌ترین‌ها می‌کند.

و آزادی کامل رای دادند. ما هرگز قصد نداریم آرای انجمن را با هیچ جای دیگر قیاس کنیم. لزومی ندارد. جشنواره فجر داوران خودش را دارد. جشن خانه سینما جوایز خودش را و ما نیز و سایر صنف هم. همچنین همین تنوع نگاه‌ها و تکت دیدگاه‌ها و رویکرد جهانی‌ت دارد. تعداد کاندیداهای مشترک ما با فجر کم نیست، ۳۰ مورد. ۳۱ کاندیدای ما با داوران فجر مشترک است. ولی اصلاً کم‌تر می‌شود نتایج یک دآوری مستقل و منتقد با داوران جشنواره فجر- که محترم هم هست - یکی باشد؟ اصلاً اگر قرار باشد تفاوت‌ها نادیده گرفته شود چه نیازی هست به دآوری منتقدان و دیگران؟ این نگاه تزیین و مغفول و منتقدان است که موجب این تفاوت معنادر می‌شود و اتفاقاً این نگاه مستقل و سالم و به دور از مصلحت اندیشی منتقدان است که داد بعضی‌ها را می‌آورد. اما هیچ لجبازی هم در کار نیست. اگر قرار بر لجبازی بود ما حالا باید فیلم «گزارش یک جشن» را مورد توجه ویژه قرار می‌دادیم که ندایم، همه‌مان سینمای حاتمی کیا را بسیار دوست داریم و سال گذشته هم او جایزه بهترین کارگردانی را از داوران انجمن گرفت، اما ما به خود فیلم کم داریم و به خود فیلم واکنش نشان می‌دهیم نه چیز دیگر.

■ **چرا «جرم» و «آسمان محبوب» نیستند و «یه حبه قند» و «اسب حیوان نجیبی است» هستند؟**

مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی همواره مورد علاقه منتقدان بوده‌اند و همواره تحسین آنها را با خود داشته‌اند و ما سال‌ها از تماشای آثار ماندگارشان لذت و در بهترین‌ها هم عموماً از آن‌ها بیاد داریم. اما در دو، سه سطر بالاتر گفتیم که ما به کیفیت اثر واکنش نشان می‌دهیم و اجازه نداریم مرعوب نام خالق آن شویم. به هر حال باید پذیرفت که برخی از بزرگان سینمای ما اسامیل فیلم‌ها خوبی نداشتند. این بدین معنا نیست که فیلمسازان خوبی نیستند یا ما آنها را قبول نداریم. به هیچ‌وجه. آنها باز فیلم می‌سازند و فیلم‌های خوبی هم می‌سازند. ولی اسامال نظر «یه حیات داوران» را جایی نرسیده فیلم‌ها نبود. هر چند درباره «جرم» برخی داوران، نگاه مثبتی داشتند ولی این نگاه در اکثریت نبود. درباره «اسب حیوان نجیبی است» هم همین روند حاکم بود. برخی داوران روی فیلم – برای قرارگیری در میان نامزدها- نظر نداشتند ولی این نگاه در اقلیت قرار گرفت و نهایتاً فیلم، نامزد هیچ جایزه‌ای نماند و سیاسی هم در میان نبود. اینکه برخی دوستان به حضور «اسب» به دلیل حاشیه‌های محتوایی‌اش اعتراض دارند را می‌توانم درک کنم ولی اعتراض برخی به «یه حبه قند» را نه. به گمان ما هر متر و معیاری که بسنجیم باید «یه حبه قند» به مذاق دوستانی که خود را هوادار سینمای سالم و دینی، ارزشی، انسانی و… می‌دانند خوش بماند. حالا چرا در مقابلش جبهه گرفتند، نمی‌دانم. اتفاقاً نگاه سیاسی و فراقسینمایی برخی دوستان همین جا خودش را نشان می‌دهد و دم خروس بیرون می‌زند!
■ **عضو هیات داوران انجمن منتقدان در بیست و نهمین جشنواره فجر و دبیر پنجمین جشن منتقدان**

نگاه

#### بی احترامی به شهروندان

محمد صادقی

■ یکی از محصولاتی که در «شبکه خانگی» و به طور گسترده در سوپرمارکت‌های کوچک و بزرگ توزیع و در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد، فیلم‌هایی است که روی لوح فشرده (سی‌دی) و بیشتر در قالب سینمای کمدی عرضه می‌شود که بخش عمده‌ای از آن، نه کمدی است و اگر نگوییم مبتذل، به شدت کلافه‌کننده و ملال آور است… از سینمای کمدی انتظار می‌رود سرگرم‌کننده باشد، موجب تلطیف روح و روان شهروندان شود و در قالب طنز، به بیان دردها و مشکلات جامعه بپردازد؛ یعنی همه وجه سرگرم‌کننده و نشاط آور داشته باشد، هم وند انتقادی. و این در آنچه در قالب سینمای خانگی (که برآمده از متن سینمای ماست) عرضه می‌شود، فاقد چنین ویژگی‌هایی است یا در نگاهی خوشبینانه، چنان کم‌رنگ و کم محتواست که دیده نمی‌شود. شگفتا، در برخی از برنامه‌های تلویزیونی، که به نظر می‌آید باید محالی برای نقد و نظر (به معنای واقعی) باشد، تولیدکنندگان و سازندگان این فیلم‌ها به دفاع پرداخته و می‌خواهند روابایی را بکشانند که گویا از عهده فهم، درک و شعور مخاطبان بر نمی‌آید و ما تازه باید پای درس کسانی بنشینیم که معنای سینما و سینمای کمدی را به ما بفهمانند در این‌باره و در نقد چنین رویه‌ای دو نکته به ذهنم می‌رسد که در این مجال به آن اشاره می‌کنم. یکی؛ سیاستگذاری‌های فرهنگی دولت است، زیرا چنین وضعیتی ناخوشایندی را بدون درنظرگرفتن تصمیم‌گیری‌ها و سلیقه مدیران فرهنگی دولت (در وزارت فرهنگ و ارشاد و معاونت سینمایی‌اش) نمی‌توان بررسی و فهم کرد. دوم؛ سینماگرانی که به تولید چنین فیلم‌های بی‌ارزشی روی آورده و در نگاه نخست، احترام حرفه خود را هم نگه نمی‌دارند، در این فیلم‌ها نه در همه، بلکه بخش وسیعی از (آنها) کمتر می‌توان از فیلمنامه سراغ گرفت، آنچه دیده می‌شود، طرحی بدون مطالعه است که با بهره‌گیری از هنرپیشه‌های نام آشنا و خوش آب و رنگ، مقابل دوربین رفته و نتیجه اینکه، لوگوی و ابتلال به جای طنز و کمدی نشانه می‌شود و غم‌انگیزتر اینکه، این تولیدهای بی‌ارزش با این هدف‌گذاری که توده‌های بیشتری را به تماشا جلب کرده و در سوپرمارکت‌ها نیز عرضه می‌شود و این نشانه بارز سقوطی فرهنگی و اخلاقی است که می‌تواند سینمای ایران را به نابودی بکشاند، زیرا سرمایه‌های فراوانی در آن تلف می‌شوند.

اگر پس از سال‌ها، فیلمسازان ما همچنان با بازسازی «کنج قارون» و نمونه‌هایی مانند آن، کار خود را بی بگیرند و در نهایت، نسخه‌های پیشین به هر لحاظ به نسبت نسخه‌های کنونی و بازسازی شده، جلوه بهتری داشته باشند، دیگر جای چه حرفی باقی می‌ماند؟ اکنون که ماهواره و تولیدهای خارجی جای زیادی در خانه‌ها و در میان خانواده‌ها باز کرده‌اند و سینمای غیرایرانی توانسته بخشی از تازین مخاطبان را نمایان کند، این گونه سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها که بی‌تردید بدون اراده بخش دولتی نمی‌تواند اجرا شود، ما را به کجا می‌برد؟ این چگونه رقابتی است؟ به باور من، این واگذاری تام و تمام بازی به حرف است، و دیگر هیچ. اینجااست که دغدغه داشتن سینمای ملی و… در نظرم شوخی‌های بی‌مزه‌ای می‌آید و فکر می‌کنم همان تولیدات سینمای غیرایرانی اگر در ایران زیرنویس و دوبله شود، هم نیاز مخاطبان را تأمین می‌کند، و هم سالم‌تر است. میدان دادن به سینمای کمدی و سرمایه‌گذاری در این بخش اقدام پسندیدهای است ولی اگر به چنین فضایی بینجامد و این محصولات پدید آیند، نگران کننده و فاجعه بار می‌شود. احساس می‌کنم سکوت در برابر این موج جدید پرانگ‌ر که به نام سینمای کمدی به شعور شهروندان توهمین کرده و جنس تقلبی به دست مشتریان می‌سپارد، شایسته نیست و باز فکر نمی‌کنم اگر سینماگران (به ویژه آنان که به خودشان و هنر سینما احترام می‌گذارند) در سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نقش بارزی داشته باشند، چنین رخدادهای غم‌انگیزی پدید آید، و صد افسوس که این وضعیت، ناشی از رکودی فرهنگی و همه جانبه است و به سینما محدود نمی‌شود.

آینه‌های رویه‌رو

## ۲۳۳۰ روز پیگیری بیمه بیکاری

■ خانه‌سینمای ایران ا گذشت بیش از ۲۳۳۰ روز از پایان ضرب‌الاجل برنامه چهارم توسعه اقتصادی، هفتمین مکانبه خود را برای پیگیری طرح تاسیس صندوق بیمه بیکاری م‌سوخ ۱۳۹۰/۱/۲۱ به عنوان جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهور، ارسال کرد. یادآوری می‌کند طرح تاسیس صندوق بیمه بیکاری در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ در ریاست محترم جمهور ارایه و طی پیگیری‌های متعدد از آن زمان تاکنون با وجود تکلیف قانونی اقدام عملی در این خصوص از سوی دستگاه‌های اجرایی زیربط، صورت نگرفته است. ضمناً در پیشنهادهات توسعه اصناف سینمایی به منظور تدوین برنامه پنجم اقتصادی فرهنگی - اجتماعی که در آذر ۱۳۸۷ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارایه شد، مجدداً بر تاسیس صندوق بیمه بیکاری سینماگران تاکید شده بود. سوگمنانه این مهم در لایحه دولت حذف و نمایندگان محترم مجلس نیز از انجام وظیفه نظارتی خود برای اجرای ماده ۱۱۶ قانون برنامه چهارم که احیاءکننده اصل ۲۹ میثاق آزادی است غفلت ورزیده‌اند، خاطر نشان می‌سازد، براساس قانون ساختار نظام رفاه و تأمین اجتماعی، دولت همچنان موظف به تأمین منابع اولیه صندوق‌های بیمه بیکاری است.